

منابع آشوري نشانگر آن است که نطفه دولت **اورارتو** در ابتدا در اوایل سده ي ۱۲ قبل از میلاد در مناطق شرقي کوه **آغري** (آارات) ، در اطراف **دریاچه گویچه** (سئوان) در ارمنستان کنوني بسته شد. این دولت به همت قبایل **اورارت** شکل گرفته و بعدها با اتحاد اقوام **هوری** و **سایبر** دولت مقتدر اورارتو تشکیل شد. پایتخت آنها در ابتدا شهر **آزاسکون** بود ولي بعدها **ساردوي اول** آن را به شهر هوری و آرمن نشین **توشپا** در کنار **دریاچه وان** انتقال داد. مرزهاي جغرافیایی اورارتو شامل مناطق اطراف **دریاچه گویچه** ، شرق **آناطولي** و مناطق **هوری** ها در غرب **دریاچه اورمیه** بود. اورارتو ها همچنین در اوج قدرتشان دهه هاي طولاني مناطق تبریز، مرند، خوي، سراب و محال قاراداغ را نیز تحت سلطه خود داشتند. (پروفیسور ذهتابي، تاریخ دیرین ترکان ایران ص ۱۰۰)

به عقیده برخی از تاریخدانان بنیانگذاران اولیه دولت اورارتو ، **اورارت ها**، از قبایل قفقازی بودند ولي به مرور زمان با گسترش مرزهاي جغرافیایی آن دولت، بخش عمده جمعیت آن را قبایل ترك تبار تشکیل مي دادند که بعدها به مقام هاي شاهي نیز رسیدند، و وجود کلمات زیاد ترکی در آثار باقی مانده از آنها را ناشی از آن میدانند. ولي اکثریت تاریخدانان ریشه بنیانگذاران دولت اورارتو را از **هوری ها** (ازاجداد ترکان) میدانند که در ۲۵۰۰ ق.م. از نواحی غربی **دریاچه اورمیه** به اطراف **گویچه گول** کوچ کرده بودند. تاریخدانان التصاقی زبان بودن اورارتو ها را تایید کرده و آنها را خویشاوند با ماننا ها میدانند. کتیبه هاي فراوان باقی مانده از آنها با قطعیت، نوع زبان اورارتو ها را روشن کرده است.

آشوریان آنها را اورارتویی **بی آنیلی Bi anili** می نامیده اند و پسوند **لی** در آخر کلمه در شناخت منسوبیت تباری آنها مهم میباشد.

هروقت از اورارتو ها به اسم **آلارودی Alarudi** نام برده و مینویسد: در حدود ۸۰۰ سال قبل از زمان او در نتیجه حملات و فشارهای آشوریان **آلارودی ها** و **هوری ها** با هم متحد شده و دولت آلارودی را به پایتختی **توشیا** در ساحل دریاچه وان تشکیل دادند. اورارتو ها خود را **بی آنلی** مینامیدند و آشوریان نیز آنها را با همان اسم میشناختند. (پروفیسور ذهتابی، تاریخ دیرین ترکان ایران ص ۱۰۰)



تاریخاً کل سرزمین آذربایجان از **دریند تا همدان و از قزوین و ساوه تا ارزنجان تا** اوایل سلسله قاجار به صورت فدرالی سنتی (خاناتی) اداره میشد و این ریشه در هزاره های قبل از میلاد داشت. قاجارها (آقا محمد خان و فتعلی شاه) با خشونت زیاد سیستم خاناتی را ، در نهایت با سرکوبی محمد قلی خان افشار در اورمیه، در آذربایجان جنوبی از بین بردند ولی در آذربایجان شمالی تا اشغال نهایی آنجا توسط روسها آن سیستم ادامه داشت. در آن زمان نیز علاوه بر اورارتو ها دهها دولت کوچک و بزرگ ، با ارتباط با هم یا مستقل از هم، از جمله **ماننا ، ماد مرکزی** و غیره در آذربایجان وجود داشتند و اغلب اشتراکات فرهنگی ، قومی و زبانی تنها نقاط اشتراک آنها بود ولی از نظر سیاسی مستقل از هم بودند .چون این دولت ها در آن زمان ضعیف بودند همواره مورد هجوم اورارتو ها و آشوریان واقع می شدند و اوراتو ها بیش از يك قرن بر قسمتهایی از خاک ماننا حاکم بودند.

کتیبه های زیادی از اورارتو ها در آذربایجان و شرق آناتولی پیدا شده است و در

آذربایجان تا حال ۸ لوحه از آنها پیدا شده است . اگر در آذربایجان که پر از قلعه و تپه های باستانی است ، کاوشگری های علمی انجام گیرد ، مطمئنا آثار بیشتری از اورارتو ها ، ماننا و ماد پیدا خواهد شد. در اینجا به چند تا از کتیبه های اورارتویی پیدا شده در آذربایجان اشاره می شود.

یک تیم باستانشناسی آلمانی در سال ۱۹۱۰ در منطقه **بسطام** ، بین راه مرند و قاراضیاالدین یک کتیبه سنگی که از طرف **روسای دوم** شاه اورارتو در سال ۶۸۵ ق.م. نویسانده شده بود را پیدا کردند. این کتیبه به ساختن معبد **خالدي** (قالدي)، خدای بزرگ اورارتو ها در آنجا توسط روسای دوم اشاره میکند. یک هیئت آلمانی دیگر در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۶۹ میلادی موفق به کشف چهار قلعه اورارتویی در همان منطقه شدند.

لوحه اورارتویی معروف به **لوحه سقین دیل** که در روستای سقین دیل در نزدیکی ورزقان در منطقه قاراداغ پیدا شده است، مربوط به **ساردوی دوم** (۷۵۰-۷۳۳) میباشد. در این کتیبه وی از فتح دیار پولو آدی **pulo adi** و شهر **؟یب لی اونی uni Libli** خبر میدهد. دو ستون سنگی نیز از منطقه بین اشنویه-رواندوز پیدا شده است و آنها به دو زبان آشوری و اورارتویی نوشته شده اند. این دو کتیبه از **ایشپوینی** (۸۱۰-۸۲۵) میباشد و در **موزه اورمیه** نگه داری میشوند. لوحه های نیز در حوالی سراب، بین اورمیه - اوشنویه، در روستای داش تپه، ۱۹ کیلومتری قوشاچای(میاندواب) پیدا شده است.(دکتر ر. رئیس نیا، *آذربایجان در سیر تاریخ ص ۱۸۴*)

در سال ۱۳۷۴ شمسی یک مجسمه اورارتویی مربوط به ۱۱۰۰ ق.م. در شهر بابل (شمال ایران) از قاچاقچیان گرفته شد.(روزنامه اطلاعات، ۲۵، تیر ۱۳۷۴) در زمان پادشاهی **مئوا** (810-778 ق.م.) لشکریان «اورارتو» با گذشتن از رود ارس منطقه **نخجوان** را به تصرف خود درآوردند. «مئوا» برای حفظ نواحی

تسخیر شده، در ساحل راست شمالی رود ارس نزدیک قصبه‌ای که اکنون به نام ترکی «**داش‌بورون**» معروف است مرکز اداری تأسیس کرد، و آن را «**مئوآهینیلی**» Ahinli Menua نامید. در این جا نیز پسوند ترکی **لی** مشاهده میشود.



کتیبه معروف **نشتبان** که در نزدیکی روستایی به همان اسم در نزدیکی سراب پیدا شده، از **آرقیشتی دوم** (۶۸۵-۷۱۲ ق.م.) بوده و مضمون قسمتی از متن آن کتیبه چنین است: *... به قوه و اراده خالدي، من... سرزمین ها را فتح کردم...، من به ساحل رودخانه مونا رسیده و از آنجا برگشتم، من سرزمین های قیردو، قیتوهانی و توایشدو را فتح کرده و خراج گذار خود گردانیدم (دکتر ر. رئیس نیا، ص ۱۷۷).* توجه شود که این اسامی عین ترکی امروزی به پسوند های ترکی **دو - تو** ختم میشوند.

آرقیشتی نیز اسمی کاملاً ترکی هست، متشکل از **آر + قیشتی**. **آر** یا **ار** بمعنی دلیر و جوانمرد، لقبی است که در طول اعصار از طرف ترکها به رهبران سرشناس و قهرمانان خود داده شده است، **آپ ارسلان** (ار+سلان) و **آپ آرتونقا** (افراسیاب) نمونه هایی از آن هستند.

کلمه **قیشتی** مشتق از مصدر قیشتیرماخ به معنی پراکنده کردن، دور راندن دشمن یا حیوان خطرناک میباشد. **آرقیشتی** به معنی دلیرمرد دشمن پراکن، قهرمانی که دشمن را دور میکند، میباشد.

در سال ۱۹۷۱ در منطقه *رازلیق*، در ۱۲ کیلومتری شمال *سراب*، کتیبه ای کنده شده بر کوه *زاغان* توسط تیم باستانشناسی آلمانی پیدا شد. آرقیشتی دوم آن کتیبه را به مناسبت فتح آن منطقه بر آن کوه کندانده بود، او همچنین از ساختن

قلعه **آرقیشتی ایردو**(اردو) در آنجا خبر میدهد.

کلمه **ایردو** یا **اردو** در زبان ترکی به معنی **قشون** یا ارتش میباشد و کتیبه به ساختن قلعه ای(پادگان، پایگاه) نظامی برای ارتش آرقیشتی در آن منطقه اشاره میکند.

از همسایگان مهم اورارتوها در حوالی سده ۸ ق.م. ماننا در شرق و جنوب شرق، آشوریان در جنوب، ترکهای کیمتر (بعدها لودیه) در غرب بودند.

اسامی شاهان مهم اورارتو: **آرمه** (دوران شاهی ۸۲۴-۸۸۰ ق.م.)، **ساردوی اول**(۸۲۸-۸۴۴ ق.م.)،

ایش پوینی(۸۱۰-۸۲۵ ق.م.)، **آرقیشتی اول**(۷۵۳-۷۸۵ ق.م.)، **ساردوی دوم** (۷۳۲-۷۵۳ ق.م.)، **روسای اول**(۷۱۳-۷۳۵ ق.م.)، **آرقیشتی دوم**(۷۱۳-۶۸۵ ق.م.)،

روسای دوم (۶۴۵-۶۸۵ ق.م.)، **روسای سوم** (۵۸۵-۶۱۰ ق.م.)، در زمان **روسای دوم** (۶۴۵-۶۸۵ ق.م.) قبایل هندو اروپایی **فریژی** از سمت

بالکان وارد آناتولی شده و از **ترکان کیمتر** سخت شکست خوردند و شاخه ای از آنها به اسم **های** Hay، (که بعد ها به **ارمنی** معروف شدند) به سمت شرقی آناتولی حرکت کرده شروع به جنگ با اوراتوها، که درگیر جنگ با **ترکان**

ایشغور در شرق و شمالشرق بودند، کردند. قبایل تازه رسیده **های** Hay با وحشیت و بی رحمی تمام به قتل عام مردم ساکن اطراف دریاچه وان کرده و

آنجا ها را تصرف کردند. از ازمینه قدیم قبایل ترکی **آرمان Arman** در اطراف دریاچه وان زندگی میکردند و آن مناطق در آن زمان در ترکیب مرزهای جغرافی

اورارتو قرار داشت. چون **های** Hay ها آن مناطق را گرفته ودر آنجا ساکن شدند، به اسم اهالی سابق آن مناطق، یعنی آرمان ها، خطاب شدند و به

مرور زمان به ارمن=ارمنی معروف شدند.(پروفیسور آغاسی اوغلی، دوقوز بیتک،

پان فارسها که از طرفداران پروپاقرص ارمني ها میباشند، به خونریزی و وحشیت ارمني ها و قتل و عامی که در شرق اورارتو کردند، اعتراف می کنند (مراجعه شود به ؛ تاریخ مردم اورارتو؛ ص ۳۴ ، و.ج.مشکور).

در اینجا لازم است که اشاره ای هم به کوه **آغری** (آارات) ، که بی مناسبت با موضوع نیست ، بکنیم.

آین کوه از ازمینه دیرین از طرف اقوام مختلف **ترك آغري داغي** نامیده میشد و اقوام دیگر آنرا **ماسیس** می نامیدند. ارمني ها که به غلط و عمد، برای مشروعیت دادن به ادعاهای بی اساس ارضی خود، تا اواسط قرن بیستم تلاش می کردند که خود را به اورارتو ها منسوب کنند و اسم آن دولت باستانی را بر کوه آغری گذاشتند تا بدان وسیله نام خود را ابدی کنند. ولی تحقیقات علمی ثابت کرد که نه تنها هیچ ارتباط زبانی ، تباری و فرهنگی بین ارمني ها و اورارتو وجود ندارد بلکه ارمني ها بدترین دشمن آنها و عامل قتل و عام اورارتوها در حوالی ۶۰۰ ق.م. بودند لذا امروزه با وجود اینکه ارمني ها دیگر خود را به اورارتوها منسوب نمی کنند ولی از اسم آارات هنوز هم به عنوان يك سمبل استفاده میکنند.

اعتماد السلطنه شهیرترین باستانشناس ایرانی در ۱۵۰ سال قبل در کتاب ، *تطبيق اللغات جغرافیایی*، از قول **کیپر** جغرافی شناس قدیم مینویسد: *آارات اسم قدیمی آن منطقه بود و بعد ها ارمني ها کوه ماسیس را که در آن منطقه قرار گرفته و از طرف ترکان قدیم آغری نامیده میشد ، آارات نامیدند و این نام گذاری بدون تحقیق و مدرک بوده است و آن فقط اسم ملت تورانی اورارت بوده که در آن مناطق ساکن بودند.*

بعد از **روسای سوم** اسمی از اورارتو ها در منابع تاریخی برده نمی شود و به گمان عده ای ، در حوالی ۵۸۴ ق.م. ، قبل از بسته شدن معاهده دوستی بین

ماد و لودیه ، یا همزمان با آن ، دولت اورارتو از بین رفته و سرزمین آنها ضمیمه دولت ماد شده بود. **های ها، Hay ها** (ارمني هاي کنوني) براي اولين بار در ۲۰۰ ق.م. موفق به تشکیت دولت در سرزمین های غربی اورارتوی سابق شدند.

مصه صیر(موساسیر) دومین شهر بزرگ اورارتو ها بود و در غرب دریاچه اورمیه، در خاک عراق کنونی قرار داشت. آن شهر مرکز فرهنگی و دینی اورارتو بود و عبادتگاه بزرگ **خالدی** ، هالدی= در ترکی باستان به معنی بهشت ، در آنجا قرار داشت. بنا ها و عبادتگاه های عظیمی در آن شهر ساخته شده بود. در کاوشگری هایی که در مصه صیر انجام شده، باستان شناسان خرابه های **سرای اورزانا** ؟! از زیر خاک در آورده اند و هنر معماری آن شگفت انگیز و عین معماری بناهای یونان قدیم میباشد . چون قدمت آن سه چهار قرن بیشتر از بناهای یونانی است لذا تاریخ دانان عقیده دارند که یونانی ها این نوع معماری را از اورارتو یاد گرفته و در بناهای خود به کار برده اند. تخت جمشید و سایر بنا های زمان هخامنشیان نیز کپی از معماری اورارتو-ماننا میباشد، **داریوش** در کتیبه اش اشاره میکند که **دکوراسیون، معماری و طلاکاری تخت جمشید را هنرمندان ماد انجام دادند.**

سارگون دوم در سال ۷۱۴ ق.م. شهر مصه صیر را گرفته و ویران کرد و طبق کتیبه هایش ۱ تن طلا ، ۵ تن نقره و دیگر وسایل قیمتی از عبادتگاه خالدی غارت کرد.

آن ثروتی را که از **سرای اورزانا و عبادتگاه خالدی** در شهر موساسیر به دستم آمد قابل شمارش نبود، همه را بر سربازان بشمارم بار کرده و آنها را مجبور کردم که آن ثروت عظیم را به **خاک آشور ببرند.**(دکتر.ر. رئیس نیا، آذربایجان در سیر تاریخ، ج، ۱، ص ۱۸۴)

در منابع آشوری در باره این لشکر کشی سارگون دوم ، خصوصا در باره فتح و غارت شهر تاریخی اولخو در دامنه کوه کیشپال باستانی، یونقالیق داغی امروزی ، معلومات زیاد، نوشتجات و شکل ها باقی مانده است.(پیو تئروفسکی، اورارتو، ص ۴۷)

دین اورارتو ها: آنها نیز مثل سایر التصاقی زبانها به خدایان مختلف ، الهام گرفته از طبیعت ایمان داشتند . در نتیجه تحقیقات تاریخ دانان، ۸۷ تن از خدایان اورارتوها شناسایی شده است، **خالدی** بزرگترین و مهمترین خدای آنها بود و دیگر خدایان از او دستور میگرفتند. شاهان اورارتو تمام کتیبه هایشان را با نام خالدی شروع کرده اند. **ایمیش** خدای دولت و جنگ بود.

زبان اورارتوها شاخه ای از زبان هوری ها و یک زبان التصاقی و خویشاوند با زبان ماننایی، ایلامی، سومری و ... بود که به مرور زمان به زبانی مستقل تبدیل شده بود. م.ج. مشکور عقیده دارد که اگر در زبان کنونی آذربایجان تحقیق بشود، کلمات زیادی باقی مانده از اورارتو ها را پیدا خواهیم کرد. ولی این مسئله به آن راحتی که مشکور می اندیشد نیست چونکه زبان کنونی آذربایجان بیشتر تحت تاثیر زبان اقوام **ایشغوز** و **اغوز** که بعد ها به آذربایجان آمدند قرار گرفته است.(م.ت.ذهتابی، تاریخ دیرین ترکان ایران، ص ۱۰۲)
خط اورارتو ها: تا سده ۹ قبل از میلاد هیروگلیف و از آن زمان به بعد از خط میخی که سومریان اختراع کرده بودند، استفاده میکردند. آنها فرم و شکل خط میخی را طوری تغییر داده بودند که بتوانند صداها و کلمات مخصوص زبان خود را با آن بنویسند. در اوایل حکومتشان به زبان آشوری نیز مینوشتند ولی بعدها فقط به زبان خودشان مینوشتند.

در آذربایجان کنونی اسامی بعضی از شهرها و مکان ها همان اسامی هستند که اورارتو ها به آن ها داده اند، برای مثال: اسم سه نفر از شاهان اورارتو

ساردوري بود و هر سه به خاک ماننا لشکر کشي کرده ودر آنجا شهرها و قلعه هايي را ساخته بودند، قلعه اي که در جنوب *تامارکيس* (تبريز) براي حفاظت آن ساخته شده بود اسم شاه اورارتو، **ساردوري**، بر آن گذاشته شده بود و امروزه آنجا **سرده ري** ناميده ميشود..(م.ت.ذهتابي، تاريخ ديرين ترکان ايران، ص ۱۰۳)

در طي سده هاي ۹ تا ۷ ق.م. آذربايجان بارها از طرف آشوري ها و اورارتو مورد حمله قرارگرفت. آشوري ها به جز قتل و غارت کاري ديگر نمي کردند و مردم آذربايجان هميشه در برابر استيلاگري و وحشيت آنان جانانه از سرزمين خود دفاع ميکردند. اورارتو ها بيش از يك قرن بر بخش بزرگي از آذربايجان حکومت کردند و از آنجا يکيه هم تبار با مردم آذربايجان بودند و با زباني خوشاوند با زبان آنها صحبت ميکردند لذا همچوقت در آنجا مثل يك اشغالگر و بيگانه عمل نکردند و مردم آذربايجان به آنها به چشم بيگانه نگاه نميکردند. بعضي از شاهان اورارتو خيلي از شاهان محلي در آذربايجان را در مقابل آشوري ها ياري ميکردند. در زمان روساي دوم، **Aza آزا** شاه ماننا، در قيامي حکومتي کشته ميشود و روساي اول پسر او اولو سونو **Ulu Suno** را در رسيدن به حکومت ياري کرد و بعدا آندو همراه با هيت ها و بابل بر عليه آشور متحد شدند. **سارگون دوم** شاه آشور براي جلوگيري از اتحاد آنها سر يعا وارد عمل شد و در سال ۷۱۷ ق.م. **کرکميش** پاي تخت **هيت ها** را ويران کرد و بعد در سال ۷۱۴ ق.م. به *ماننا*، اورارتو حمله کرده و شهر هاي بسياري را خراب کرد. *سارگون دوم* در کتبيه *هايش از آباداني بي نظير آذربايجان در آن زمان ابراز شگفتي کرده است.* اورارتو ها در پيشرفت و آباداني آذربايجان خيلي تلاش کردند، آنها کارهاي بزرگي در شهر سازي، کندن قنات و کانالهاي آبياري، راه سازي، رونق دادن کشاورزي و باغداري، درست کردن درياچه هاي مصنوعي (کئشيش گول يادگار يست از

آنها) و غيره انجام دادند و در تامين رفاه مردم خيلي موفق عمل
کردند(م.ت.ذهتابي، تاريخ ديرين ترکان ايران، ص ۱۰۵)

به عقیده تاریخ دانان هنر قنات سازي از ابتکارات اورارتو ها بود و ملت هاي ديگر
از آنها ياد گرفتند(ريچارد فراي، برگهاي زرین تاريخ ايران).